



تا حدود ۵ قرن پس از مرگ نیکولو ماکیاوولی، او هرگز شخصیت معروفی نبود. تنها افراد معدودی بودند که از نبوغ او یاد می‌کردند اما حتی آنها نیز بسیاری از ابعاد نبوغ او را نمی‌شناختند. خوشبختانه در ۱۰۰ سال گذشته، نگرشی منطقی‌تر و مستدل‌تر از کارهای او شکل گرفته و امروزه افراد ارزش‌والایی برای فلسفه ماکیاوولی قایل هستند و در علوم نوین نیز توجه ویژه‌ای به دیدگاه‌های او مبنول می‌شود.

## تفکر کلیدی

ماکیاوولی هیچ نظریه‌ای را در باب مدیریت یا هیچ راه‌حلی را در قبال مسایل روزمره ما بیان نکرده است. او عمدتاً به استراتژی‌های کلان پرداخته است. شاید بهترین رویکرد آن باشد که علایق و پرسش‌های متعدد مطرح شده توسط او را مطالعه کنیم.

## برخی نگرش‌های ماکیاوولی

نمونه‌های زیر نشان می‌دهند که چگونه ماکیاوولی تلاش می‌کرد تا شکاف میان سیاست‌های قرن شانزدهم و کسب و کار قرن بیست و یکم را پر کند.

## رهبری

ماکیاوولی مثال‌های زیادی را از رهبران خوب مطرح کرده و جای هیچ تردیدی برای خوانندگان‌اش پیرامون مهارت رهبری در قبال موفقیت هر کسب و کاری باقی‌نمی‌گذارد. او اقبال و نبوغ را کلید رهبری موفق می‌داند. خطرات و ریسک‌های پیش روی یک رهبر توسط ماکیاوولی شناسایی شده‌اند (خوشبختانه آنها در زمان رنسانس ایتالیا، رعب‌آورتر از خطرات پیش روی ما هستند). او مقایسه‌هایی را نیز در خصوص سختی‌های تبدیل شدن به یک رهبر و سختی‌های باقی ماندن در سمت رهبری را به روشنی تشریح کرده است.

## تمرکز در برابر تمرکززدایی

هر کسی که فکر می‌کند مساله انتخاب میان کنترل متمرکز و تمرکززدایی یک معضل دنیای مدرن است، سخت در اشتباه است. ما به او پیشنهاد می‌کنیم نمونه‌های مندرج در کتاب شهریار را بخوانند. مثال‌های ماکیاوولی برگرفته از تاریخ نظامی هستند اما به راحتی می‌توان آنها را با شرایط کسب و کار دنیای معاصر مقایسه نمود. شاید بهترین مشاوره او زمانی است که درباره دولت‌های مستعمرات سخن می‌گوید. ارتباطات ضعیف در عصر رنسانس عمدتاً باعث تمرکززدایی می‌شدند و توصیه‌های ماکیاوولی حول همان موضوعاتی بودند که ما امروزه آنها را گزینش و آموزش می‌نامیم. همان‌طور که فرماندار یک مستعمره باید به دقت و بر اساس تجربه و وفاداریش انتخاب شود، یک فرد آموزش دیده نیز باید برای کسب

■ ۱۴۶۹. تولد.

■ ۱۴۸۹. رییس دادگاه فلورانس.

■ ۱۵۱۲. بازگشت خاندان مدیچی به قدرت.

■ ۱۵۱۳. انتشار کتاب شهریار.

■ ۱۵۲۷. درگذشت.

## زندگی و دوران شغلی

نیکولو ماکیاوولی در سال ۱۴۶۹ متولد شد. پدر او وکیل بود. او برای نخستین بار در سن ۲۹ سالگی معروف شد یعنی زمانی که به عنوان رییس دادگاه فلورانس منصوب شد. او به مدت ۱۴ سال در این سمت باقی ماند و طی این مدت توانست توانایی‌ها و صلاحیت‌های خود را به اثبات برساند. او در ۳۰ مأموریت خارجی شرکت کرد و با اکثر سیاستمداران و قانون‌گزاران کلیدی اروپایی دیدار و گفتگو کرد. این فرصت باعث شد او به اطلاعاتی منحصر به فرد درباره دولت‌ها، سیاست‌ها و اقتصاد دست یابد. البته این وضعیت خیلی دوام نیاورد. در سال ۱۵۱۲، خاندان مدیچی<sup>۱</sup> دوباره به قدرت بازگشت و همین امر باعث شد که ماکیاوولی خیلی زود سمت خود را از دست بدهد. او به دلیل فعالیت‌هایی که گفته می‌شود قبلاً علیه خاندان مدیچی انجام داده بود، به اشتباه معلق شده و بعد از مدتی دستگیر، زندانی و شکنجه شد. اگرچه به تدریج بی‌گناهی ماکیاوولی اثبات شد اما او از فلورانس تبعید گردید و مجبور شد بقیه عمر خود را در یک مزرعه دورافتاده بگذراند. تلاش‌های فراوان او برای از سرگیری زندگی سیاسی‌اش شکست خورد و او در سال ۱۵۲۷ در حالی که تلاش می‌کرد، نفوذ از دست رفته‌اش را بازپس بگیرد، درگذشت. ۳۰۰ سال بعد، همان‌طور که ماکیاوولی می‌خواست، ایتالیا متحد شد.

ماکیاوولی خود از تبعیدش رنج زیادی کشید اما بر عکس او، جهان نفع زیادی از این تبعید برد. او مطالب زیادی را پیرامون تجربیات و ایده‌هایش به رشته تحریر درآورد. آثار مکتوب او شامل تاریخچه فلورانس، چندین نمایش‌نامه و دو کتاب هستند که نشانگر برتری و قدرت او در حوزه سیاست هستند. کتاب‌های او شهریار و موعظه نام دارند.

و کارهای امروزه برگزیده شود.

### خریدش رکته‌ها

تسلط بر کشوری دیگر و ایجاد مستعمره در آنجا دقیقاً معادل مفهوم خریدش رکته‌های امروزی است. در چنین مواردی مشاوره‌او بسیار صریح و شفاف است. وقتی چنین حالتی رخ می‌دهد، کارشکنی به امری طبیعی تبدیل می‌شود.

### تغییر

ماکیاولی ایده‌های چندانی را در قبال تغییر ارایه نمی‌کند اما نشان می‌دهد که مسایل ناشی از تغییر تقریباً مشابه همان مسایل موجود در دنیای امروز هستند. او در کتاب شهریار می‌نویسد: «باید در نظر داشت که هیچ چیزی دشوارتر، تردیدآمیزتر و خطرناک‌تر از آغاز کارهای جدید نیست»

### ماکیاولی در یک نگاه

تأثیر آثار ماکیاولی بر سیاست مدت‌ها پذیرفته شده بود اما ارتباط ایده‌های او با کسب و کار در نیمه دوم قرن نوزدهم مشخص گردید یعنی زمانی که شرکتها شروع به فعالیت در سطح سازمان‌های بزرگ و پیچیده کردند (این همان اتفاقی است که ماکیاولی آن را حرکت از جامعه قبیله‌ای به جامعه سازمانی می‌نامید) ماکیاولی تصویری را از انسان و سازمان در قرن‌ها پیش ترسیم کرده بود که ما امروز به وضوح شاهد آن هستیم.

### برای اطلاعات بیشتر

#### آثار کلیدی ماکیاولی

##### کتاب:

شهریار و موعظه.

##### سایر مطالب

##### کتاب:

«درورای ماکیاولی: ابزاری برای پرداختن به تضاد»، رابین فیشر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶.

«مدیریت و ماکیاولی»، آنتونی جی<sup>۳</sup>، ۱۹۶۷.

«هنر سیاست در کسب و کار»، آلیستر مک‌آلپاین<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹.

«مرد سازمانی»، ویلیام وایت<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲.

«امپراطوری چیزی نیست جز قدرت اعتماد»، جان دراین<sup>۶</sup>

«اشتباه همه انسان‌ها این است که در آب و هوای خوب، طوفان را از یاد

می‌برند» نیکولو ماکیاولی



2. Robin Fisher 3. Anthony Jay 4. Alistair McAlpine  
5. William Whyte 6. John Dryden